



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه ۱۳ جولای ۲۰۲۰

نویسنده: بروس ریچاردسن
ترجمه: رحمت آریا

از لابلای اسناد آرشیفها: در جستجوی تاجیکستان بزرگ

از آنجائیکه جمعیت اسلامی برای چندمین بار دچار انشعابات متعددی گردیده است، و از آنجائیکه فرزند ناخلف بحران الدین جنگانی و شوهر خواهر او (احمد ضیا مسعود)، حزب جمعیت اسلامی را میراث بابا میدانند و...، و نیز از بابت اینکه برادران مسعود، ربانی و مسعود را "قهرمان" تصور می کنند، این تحلیل و ترجمه را بار دیگر خدمت هموطنان تقدیم می‌داریم؛ تا سیه روی شود هر که در او غش باشد. (این ترجمه بار نخست در سال 2011 به نشر رسیده است). با ابراز امتنان از جناب محترم "رحمت آریا"

احمد شاه مسعود پلان پارچه پارچه شدن افغانستان را در نظر داشت قوماندان ارشد لشکر چهارم شوروی در افغانستان، جنرال ا. ا. لیاخوفسکی¹

طی سالیان جنگ افغان – شوروی و متعاقب آن های تیوری های فراوانی به میان آمده اند که یکایک شان شارح افشای انگیزه های نهفته در عقب تعاون احمدشاه مسعود با لشکر چهارم شوروی بوده و بر مبنای آن دیدگاه های فراوانی شرح شده اند. برجسته ترین تیوری درین میان، متکی بر اسناد رسمی شوروی است که در یادداشت های رسمی مأمورین استخباراتی اسبق کي جي بي و جي آریو (KGB and GRU) و یا هم خاطرات افسران عالی رتبه متقاعد است که قبلاً در صفوف لشکر چهارم در افغانستان کار کرده اند، و یا گواهی های فراوان شهود عینی، مدارک روایتی و مربوط به وقایع، مدارک دیگر است که در گزارشهای ادارات استخباراتی انعکاس یافته اند، همه این مدارک چندین بعدی در کل حیثیت سکه یکسان و متعبر را برای محققین و تاریخ نویسان داشته که در آثار شان به نشر رسیده اند. درین میان تیوری مستندی عرض اندام کرد که مؤید اثبات وسواس و عقده روحی احمد شاه مسعود در راستای یکجا ساختن تاجیکان افغان با هم تباران اتینکی تاجیکستان آنوقت اتحاد شوروی سوسیالیستی بود و

¹ General A.A. Liakhovskii

نشاندنده علاقمندی ایجاد چنان یک « تاجیکستان بزرگی » بود که سرانجام خودش خواهان حاکمیت بر آن بود. مسعود در راستای تحقق این مأمول، با گزینش ستراتیژی تعاون و استفاده از نیروی عظیم لشکر چهلم شوروی خواست تا وی را در قلع و قمع دشمنان دایمی اش که برجسته ترین آن حزب اسلامی حکمتیار بود، یاری رساند. (Misdaq, p 330N)

قوماندان اعلی لشکر چهلم اتحاد شوروی جنرال ا. ا. لیاخوفسکی در خاطرات فاش سازنده خویش (پلامیگا افگانا²...) مینگرد: « احمد شاه مسعود از همان آغاز، پلان پارچه پارچه شدن افغانستان را در سر داشت.» همچنان شواهد مستند پیرامون طرح « تاجیکستان بزرگ»³ که در صفحات کتاب [دستهای مسکو³] درج اند، منتظر تحقیقات محققان اند؛ این شواهد که در برگزیده خاطرات شخصی یک افسر ارشد کی جی بی نیز می باشد آنده ستراتیژی و عملیات مخفی ابرا افشا می سازند که طی سالیان جنگ در افغانستان پیاده شده اند. نویسنده کتاب جنرال لئونید شیبارشین⁴ رئیس ریاست اول [ریاست عمومی استخبارات خارجی] کی جی بی بوده که در بخشی از کتاب خویش روی یادداشتهای خیلی مهم و تاریخی بحث می نمایند؛ شیبارشین درین بحث نکات عمده دو فکس بی سابقه را افشا می کند که بر تارک هر دو فکس تاکنون تاپه فوق العاده محرم زده شده است و هر دو سند آنده جزئیات و شرایطی یکایک را شرح می کنند که بر مبنای آن باید گلیم دشمنیها میان احمد شاه مسعود و قوماندانی اعلی شوروی برچیده می شد و در تناسب با چهارچوب مفردات قرار داد، زمینه ایجاد و توسعه شبه قلمرو تاجک و نیمه خود مختار مهیا ساخته می شد. نکات اساسی:

سند : نکات اساسی مذاکرات با احمدشاه مسعود

۱: در چهارچوب مفهوم یک افغانستان متحد، زمینه ایجاد یک قلمرو خودمختار تاجک در ساحات تاجک نیشن که مشتمل اند بر ساحات ولایات بدخشان، توخار، کندز، بغلان و برخی حصص ولایات پروان - کاپیسا و نیز ایجاد دولت خودگردان درین ساحات

۲: اعطای نمایندگی و مقام های خاص تاجک در چهارچوب دستگاه ریاست جمهوری، پارلمان ملی و اعضای کابینه وزیران. [حکومت م - م] افغانستان

۳: به رسمیت شناختن رسمی (IOA) حزب [تحریک اسلامی در افغانستان ، ربانی] [IOA (Islamic Movement in Afghanistan, Rabbani)] به صفت یک حزب مستقل و چنان حزبیکه در افغانستان باشد دارای حقوق مساوی باشد.

² Plamya Afgana

³ The Hand of Moscow

⁴ General Leonid Shebarshin

۴: تشکیل نیروی های نظامی تاجک بر مبنای ساختار (IOA) حزب [تحریک اسلامی در افغانستان ، ربانی] [IOA (Islamic Movement in Afghanistan, Rabhani)] ، و ادغام آن با [VSRA – پاورقی⁵ – م.] مسؤولیت های این نیروی نظامی بر مبنای منافع ملی [احتمالاً منافع تاجکستان – نویسنده] و وظایف عمومی حکومتی تعریف میشوند که تأمین امنیت شاهراه حیرتان – کابل جزء آن است.

۵- تأمین صلح در چهارچوب ساحات خود مختار تاجک و ایجاد شرایط و امکانات جهت اعاده زندگی عادی برای باشندگان این ساحات.

۶ – مسائل انکشاف اقتصادی در صفحات شمال. بخش همکاری دولت افغانستان درین زمینه، همچنان کمک های مشروح چندین جانبه بشمول کمک های اقتصادی، صحتی و سائر انواع امداد و نیز توسعه تجارت سرحدی. نکاتی را که من درینجا طرح کرده ام سفیر شوروی یوری . م. ورتنسف⁶ ، و جنرال وی. ای. ورنینکوف⁷ با آن توافق نموده و اوشان آنرا فی النوبه با رهبری جمهورییت [افغانستان – م] مطرح نموده اند.

[منبع : - گروه عمیاتی MO SSSR در افغانستان. مرکز قوماندۀ قوماندانی اعلی لشکر چهل، کابل، سال ۱۹۸۸ م. امضاً کنندگان : دیگر جنرال ب. وی. گروموف⁸. وزیر دفاع جمهوری افغانستان شهناز تینی و احمد شاه مسعود] (Shebarshin, pp 177-214).

مسودۀ پروتوکول:

در مورد روابط دو جانبه

میان رهبری نیرو های نظامی اتحاد شوروی در افغانستان و مخالفین مسلح پنجشیر. (IOAP)

به آرزوی تحکیم صلح در افغانستان جوانب امضاء کننده ذیل این پروتوکول با داشتن اراده نیک طبقاً متعهد به پذیرش مسئولیتهای ذیل میشوند : که

۱ : هر نوع فعالیت نظامی را در سالنگ جنوبی و سائر ساحات مجاور در امتداد شاهراه کابل - حیرتان بصورت مکمل متوقف ساخته که در برگیرنده توقف آتش هر نوع اسلحه از مواضع دلگی ها و گروپهای مخالف مسلح پنجشیری (IOAP)، قراء ، برجهای قراول، پوسته های تلاشی و امنیتی عساکر افغان – شوروی ، عساکر سرحدی و خاروندی می باشد.

⁵ VSRA : بخاطر وضاحت این اصطلاح، به نویسنده مقاله ایمیلی فرستادم که در جواب چنین نوشتند : [این یک اصطلاح روسی است که مرکب از چند لغت بوده و در حق اردوی افغانستان تحت رهبران و نظامیان عالیرتبه و کمونیست افغان و غیره به کار برده میشد] [م]

⁶ Juri M. Vorontsov

⁷ General V.I. Varennikov

⁸ Lieutenant General B.V. Gromov

۲ : دسته های مسلح جدا شده پنجشیر به مسئولیت خود می پذیرند که امنیت بین « قریه تاجکان» و « چاگینی»⁹ را در چهارچوب هدف معین : جلوگیری از آتش کردن راکت ، قطاع الطریقی و غیره اقدامات مماثل بر علیه عساکر شوروی و افغان تأمین می نمایند.

۳ : جانب شوروی بر مبنای توافق متجانب متعهد میشود که به منظور امرار معیشت پنجشیر و سائر ساحات ذکر شده درین پروتوکول که در مسیر شاهراه قرار دارند، تدارکات کمی، اقلام مورد ضرورت عاجل ، و سائر مواد مورد نیاز را در ظرف فاصله زمانی ایکه هر دو جانب روی آن قبلاً توافق نموده باشند تهیه نماید.

۴ : حتی به دسته جات جدا شده و گروههای سائر گروه ها اجازه داده نه خواهد شد تا به منظور آتش بر قطار های افغان – شوروی، انجام فعالیت های تروریستی و سبوتاژ پایپ لاین داخل ساحات یاد شده درین پروتوکول شوند. هرگاه افراد مسلح این گروه ها متصل به انجام چنین فعالیت ها شوند، جانب اتحاد شوروی مایل است که برای دسته جات جدا شده مسلح پنجشیر کمک آتش توپخانه و نیروهای هوایی را بر مبنای تقاضای شان تهیه نماید.

۵ : تبادلۀ معلومات و تشریک مساعی در راستای پیدا کردن آنعده اتباع شوروی و افغان که در حدود ساحات ذکر شده در پروتوکول، مفقود الاثر شده اند.

۶ : در صورت ازدیاد فشار و کشمکش ها، تدویر دید و وادید ها به خاطر جلوگیری از توصل به تجدید اقدامات نظامی و اعطای مشورتهای متجانب به نفع تحکیم صلح در زون مشخص.

۷ : اثرات این پروتوکول در امتداد هر دو ضلع ارضی شاهراه اکمالاتی که فاصله بین « قریه تاجکان» و « چاگینی» را احتوا می کند به شعاع ۳۰ کیلومتری در هر دو جانب ارضی ساحه متذکره پخش است. عساکر شوروی و نیرو های مسلح پنجشیر حق دارند تا بیرون از سرحدات تعیین شده فوق عملیات نظامی را به منظور امحای آنعده دسته جات جدا شده و یا گروههای مربوط به جناح های دیگر پیاده سازند که دست از حملات نظامی بر علیه جانبین عاهدین عاقدین این پروتوکول نه می بردارند.

۸ : پروتوکول حاضر، از لحظه امضای هر دو جانب مدار اعتبار است.

[منبع : گروپ عمیاتی MO SSSR در افغانستان. مرکز قوماندۀ قوماندانی اعلی لشکر چهل، کابل، سال ۱۹۸۸ م.

امضاً کنندگان : دگر جنرال ب. وی. گروموف. وزیر دفاع جمهوری افغانستان شهنواز تئی و احمد شاه مسعود]

(Shebarshin, pp 177-214).

احمد شاه مسعود طی تمام دوره جنگ افغان – شوروی (۱۹۷۹ – ۱۹۸۹ م) از آغاز سال ۱۹۸۰ م با شورویها قرار داد بست تا مسیر قطار های اکمالاتی شانرا در امتداد شاهراه حیاتی سالنگ مصوون نگهدارد. بر مبنای

⁹ Chaugani

شرایط همین تعهدات قراردادی بود که مسعود بالای آن واحد های مسلح مجاهدین می تاخت که میخواستند بر کاروانهای اکمالاتی و مواضع سربازان شوروی حمله نمایند. شورویها اکثراً مسعود را در راستای کمک در پیاده کردن تعهدات قراردادی اش با آتش توپخانه خویش مساعدت می کردند. مقاطع زمانی ای فرامیرسید که میعاد اعتبار قرار داد جانبین ختم می شد. ولی مسعود که در فاصله میعاد ختم قرارداد اولی و تجدید قرارداد نوین هبچگونه مسؤولیت قراردادی نداشت بازهم تا زمانی به شرایط و مفردات قرارداد قبلی وفادار باقی می ماند که قرارداد نوینی با همین محتوی با وی امضاء می شد. جنرال لیاخوفسکی¹⁰ در کتاب خود می نویسد: « در طی تمام مدتی که ما در افغانستان بودیم، مسعود آنچه را به انجام رساند که ما برایش گفتیم» (Liakhovskii, pp 462-485)

سند : از ریاست عمومی استخبارات لشکر چهلم شوروی ، کابل :

« به اساس هدایت جنرال پ. آی. ایواشوتین¹¹، رئیس عمومی ریاستهای استخبارات اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، دگرمن اناتولی تکاچیف¹² ارتباط با احمد شاه مسعود را برقرار ساخته و طوریکه موصوف می گوید برای مدت طونی با مسعود کار کرده است. اختصار داستان تکاچیف چنین است : طبق پیش شرط های احمد شاه مسعود پیرامون محل و وقت دیدار ما از طریق میانجی ها موافقت کردیم : جای دیدار : دره پنجشیر که بوسیله مجاهدین کنترل میشود، وقت : (سال ۱۹۸۳ م) جشن میلادی. ما باید شب سال نو به محل دیدار میرسیم. همچنان ما باید بدون سلاح و گارد امنیتی می آمدیم. به مجرد آفتاب نشست به همراهی ترجمان ما مکس «Max» از قریه ی رُخه [Kishlak Rukha] برآمدیم و به زودی به محل تعیین شده دیدار که قبلاً رویش توافق صورت گرفته بودم رسیدیم، جائیکه با گروه مسلح مجاهدین به رهبری تاج الدین با خوش آمدید برخوردیم؛ تاج الدین امر گروه ضد – جاسوسی احمد شاه مسعود است. بعد از صرف نهاری « چای صبح » ، من با ترجمانم مکس ، احمدشاه مسعود و یک تن اعتمادی وی در اتاق تنها ماندیم. صحبت آغاز شد. نکات کلیدی پیشنهاد ما آتش بس دوجانبه روی تقابل مسلحانه در پنجشیر و تعهدات متجانب مبنی بر تهیه شرایط جهت بازگشت زندگی آرام برای باشندگان محل بود. احمد شاه مسعود گفت که در برابر اتحاد شوروی احساس دشمنی ندارد. از بین رفتن دشمنی های موجود و تأمین همکاری نزدیک در راستای نظارت بر متارکه در واقع ماحصل صحبت های دیدار اول و دیدار های بعدی بود.»

به ملاحظه دوسیه سایکولوژیکی کی جی بی پیرامون شناخت شخصیت احمد شاه مسعود، « شیر» به این اوصاف ستوده شده است : عاشق خود ، خود خواه، کج اندیش، تشنه شکوه و ابهت؛ در خلال این شکوه خود را در آئینه چنان رهبری می بیند که به مجرد ایجاد قلمرو خود مختار گردان تاجک ، خودش امیر آن خواهد شد، شوروی با دخول به ژرفای مشخصات شخصیت مسعود از یک موقف قوی با وی صحبت کردند و بدان وسیله مسعود را به پذیرش مطالبات شان آماده ساخت . (Shebarshin, pp 177-214).

¹⁰ General Liakhovskii

¹¹ General P.I. Ivashutin

¹² Lieutenant Colonel Anatoly Tkachev

از دیدگاه تکتیکی بهترین روش برای جانب قرار داد شوروی وصول میلانی بود که منجر بر ایجاد متارکه با مسعود گردد. نکته کلیدی برای شورویها رساندن اکمالات مصوون از طریق معبر سالنگ، و جلوگیری از درگیری در دامنه کوه های خطرناک و صعب العبور پنجشیر بود. باریس گروموف قوماندان لشکر چهلیم در افغانستان مطالعه فراخ در رابطه با خطر جنگ گوریلابی در مناطق ناهموار دارد و اکثراً از وی نقل قول بعمل آمده است؛ باریس گروموف می گوید: « مسعود تنها با پرتاب سنگ میتواندست ساحه را به مدفن عساکر روسی مبدل سازد ». (Gromov, pp 188-197).

همانطوریکه توقع می شد، عکس العمل نیروی های مقاومت در برابر توافقات مسعود با شوروی جوابهای تلخ و مملو از طعنه را در پی داشت. درین مورد در بخشی از کتاب [مارک اربن¹³] [جنگ در افغانستان¹⁴] چنین آمده است:

« یکتعداد قوماندانان با تلخی تنقید می کردند که مسعود در برابر لشکر شوروی بطور شاید وباید فعالانه جنگ نه می کند. تقریباً از مدت دوسال بدین سو آثار و علایمی وجود ندارد که طی آن مسعود افراد خود را رغبتاً در برابر شورویها به کار انداخته شده باشد که مثال آن جنگهای کندز است که در بین بروج جنوری الی اپریل سال ۱۹۸۹ م بوقوع پیوست، آنچه رُخ داده است چیز بیشتری به جز از کشمکش های داخلی نه بوده است. از جانب دیگر شواهد حاکی اند که مسعود وارد یکنوع متارکه جنگ با روسها شده است. علایمی وجود داشتند که شورویها میخواستند کنترل ساحات شمال شرق افغانستان را به شورای نظار واگذار شوند. گزارش های بدست آمده حاکی از آنند که روسها برای چنین آغازی برایش پیشنهاد تمویل پول و اسلحه کرده اند. این توافقات باعث ایجاد مشاجرات تلخ در میان صفوف مقاومت شده اند. اعضای حزب اسلامی حکمتیار این روش را خود – فروشی یاد کرده و با طعنه و پیغاره مسعود را « شاه پنجشیر » می نامند. در برابر تعهدیکه بالای عساکر شوروی هیچگونه حمله ی از پنجشیر به وقوع نه خواهد پیوست، شورویها بخش عظیم لشکر خود را از دره بیرون کشیده و آنرا به ساحات جنوبی فرستاده زیرا نیرو های مقاومت در آنجا متداوماً در گیر جنگهای شدید بر علیه نیرو های شوروی اند. ». (Urban, p 229).

نویسنده بریتانوی مایک مارتین¹⁵ طی سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۳ به همراهی نیروهای مقاومت به فاصله صد ها مایل در داخل افغانستان سفر کرده که حاصل این سفرها منتج به تحریر کتاب معتبری بنام *Afghanistan, Inside a Rebel Stronghold* شده است. مهارت قلمی شرح حوادث و تحلیل وی روشنایی بیشتر بر حوادث انداخته و میتواند سرچشمه مناسب برای محققین پنداشته شود. (Martin, p 198).

¹³ Mark Urban

¹⁴ War in Afghanistan

¹⁵ Mike Martin

مارتین : « من همان یک دیدگاه را تکراراً می شنیدم، دیدگاهی که حاکی از ایفای نقش مسعود در پنجشیر بود. قرارداد آتش بس مؤقت وی با روسها تا کنون فسخ نه شده است. جنگنده های جمعیتی وی دور تر از آنسوی پنجشیر فرستاده شده اند تا قراء و قصبات تحت اداره حزب [اسلامی - م] را تسخیر نمایند. در عقب زنی نیرو های حزب روسها در واقع به مسعود اسلحه می دهند ، روسها نیرو های حزب را دشمنان آشتی ناپذیر و سنگدل خود می پندارند. » (Martin, p 198).

نتیجه : تفصیل توطئه کی جی بی در تجزیه افغانستان اظهر من الشمس است. شورویها ستراتیژی تجزیه اتنیکی را در آسیای میانه مؤفقا نه پیاده کردند که همین تجربه نیز در افغانستان مبدل به شیوه عملیاتی شان شد. اصطلاح عملیات کسکد¹⁶ که در محاوره شورویها خوب شناخته شده و در واقع پلانی بود که بر مبنای طرح آن یا کشور پارچه پارچه می شد و یا منجر به تجزیه صفحات شمال افغانستان میشد، که ولو با داشتن خود مختاری محدود، مسعود اراده حکمروایی بالای آن را داشت. جنرال لیاخوفسکی در کتاب خود می نگارد : « مسعود تشنه تصور کلی « تاجکستان بزرگ» بود و در راستای آن از اول تا آخر یک دهه جنگ فعالانه سعی و تلاش کرد.» (Liakhovskii, pp 485-486, Richardson, pp 22-23).

منابع : در ذیل لست منابعی را داده ام که اسناد مندرج و صدها صفحه آن منتظر تحقیق محققین اند. اسناد، اظهارات شهود عینی، مدراک روایتی و سلسله سائر شهود مماثل پیرامون حوادث مشخص، همه مؤید تائید وسواس و عقده روحی احمدشاه مسعود در راه ایجاد « تاجکستان بزرگ» اند. منابع به نشر رسیده که حاوی گنجینه معلومات «نه گفته» اند، از روی توافقات بیشمار آتش بس مسعود با قوماندانی اعلی شوروی در افغانستان پرده بر میدارد. همانطوریکه نویسندگان این منابع تائید میدارند، روش اخلاقی مسعود این زمینه را مساعد ساخت تا عساکر شوروی از پنجشیر کشیده شده تا آنرا در جنوب جابجا سازند، جائیکه بر علیه اشغال شوروی سخت ترین مقاومت هرگز تقلیل نیافت. همچنانیکه در توافق مشخص شده است، نیرو های نظامی شوروی به اساس تقاضای مسعود آتش توپخانه و نیروی هوایی بمبارد خود را حین زد و خورد های وی با نیرو های حزب و سائر گروپهای مقاومت و یا حین حمله بر کاروانهای شوروی در امتداد سالنگ بخاطر حمایت وی مهیا ساخته است. علاوه بر مدارک و شواهد معتدابه حاکی از آن اند که عبور مصؤون قطار های اکمالاتی از معبر سالنگ، منتج بر توسعه و تدوام جنگ شد.

(Liakhovskii, pp 462-485).

*A.A Liakhovskii, *Plamya Afgana*, Moscow, Iskon, 1999, translated for Cold War in History Project, CWIHP, Washington, D.C. by Gary Goldberg.

*Main Intelligence Directorate (MID) of the General Headquarters, USSR Armed Forces, title: *Lion of the Panjsher*, Article no. 18, (No. 882/83-3-5-77, Fond 80, Perechen 14, Document 77, translation of excerpts by Elena Kretova, Information Services, Moscow.

*Boris V. Gromov, *Limited Contingent*, Moscow, Progress Press, 1994, translated by Professor Ian Helfant, Department of Slavic Languages and Literature, Harvard University.

¹⁶ Operation Kaskad

*Leonid Shebarshin, *The Hand of Moscow*, Moscow, Progress Press, 1992, translated by Professor Ian Helfant, Department of Slavic Languages and Literature, Harvard University.
Bruce Richardson, *Afghanistan, A Search for Truth*, Free Forum, ME, 2009.

Bruce Richardson, *Afghanistan, Ending the Reign of Soviet Terror*, Maverick Publications, OR, 1996

Mike Martin, *Inside a Rebel Stronghold*, LBS, UK, 1984.

Nabi Misdaq, *Afghanistan, Political Frailty and External Interference*, Routledge, NY, 2006.

Mark Urban, *War in Afghanistan*, Macmillan, UK, 1990.

Pardes Mosafir, *The Red Army in Afghanistan*, Peshawar, 1997 (Pashto)

*S.E. Grigor'ev, *The Pandzhsher from 1975-1990*, Saint Petersburg University Press, 1997.

*Publications by Russian authors are available from East View Press, Minneapolis, MN.

تصحیح املايي : نام های اشخاص و اسامی محل به گونه های مختلف نوشته میشوند که درینجا از روی منابع ترجمه شده، آنچنان ایکه در زبانهای محلی رائج است اقتباس شده اند.

بروس ریچاردسن

پایان